



Original Research

Identifying and Ranking the Factors Hindering the Development of Start-Ups of Physical Education Students in Khorasan Razavi Province

Farzaneh Oveysi Sani^{1*}, Mohammad Keshtidar², Mahdi Talebpour³

1. PhD Student in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Associate Professor of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Professor of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

ARTICLE INFO

Received: 2021/04/05
Reviewed: 2021/04/19
Revised: 2021/05/03
Accepted: 2021/05/31

Keyword:

Self-awareness
Entrepreneurial culture
Self-regulation
Handball

ABSTRACT

Introduction & Purpose: The aim of this study was to identify and rank the factors hindering the development of startups of physical education students in Khorasan Razavi province.

Methodology: This research was applied in terms of purpose and part of analytical exploratory research; On the other hand, due to its qualitative and quantitative nature, it is part of mixed research. The statistical population of this research in the qualitative and quantitative part consisted of faculty members in the field of physical education in Khorasan Razavi province, undergraduate and graduate students in the field of physical education and managers of startups and sports app stores in Khorasan Razavi. The sampling method in the qualitative part was snowball and 13 interviews were conducted to saturate the data. In the quantitative part, the sampling method was available and 108 people answered the questionnaire completely. Foundation data theory and Glaser method were used to analyze qualitative data and structural equation modeling was used using Smart Payals software for confirmatory factor analysis.

Results: Findings showed that there are 5 general factors as a deterrent to startups of physical education students, which include individual factors, non-operational literacy, economic barriers, structural barriers and weakness of the physical education education system.

Conclusion: The results of confirmatory factor analysis showed that the research model has a good fit and all paths are significant and also the normalized score of the individual variable is higher than other components.



شناسایی و رتبه بندی عوامل بازدارنده توسعه استارت آپ‌های دانشجویان تربیت بدنی استان خراسان رضوی

فرزانه اویسی^۱، محمد کشتی دار^{۲*}، مهدی طالب پور^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه و هدف: هدف تحقیق حاضر شناسایی و رتبه‌بندی عوامل بازدارنده توسعه استارت‌آپ‌های دانشجویان تربیت‌بدنی استان خراسان رضوی بود.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

روش شناسی: این تحقیق از نظر هدف کاربردی و جزء تحقیقات اکتشافی تحلیلی بود؛ از طرفی به دلیل ماهیت کیفی و کمی بودن جزء تحقیقات آمیخته می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی و کمی شامل اعضای هیات علمی رشته تربیت بدنی در استان خراسان رضوی، فارغ‌التحصیلان کارشناسی و دانشجویان ارشد و دکتری رشته تربیت‌بدنی و مدیران استارت‌آپ‌های ورزشی خراسان رضوی تشکیل داد. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به شیوه گلوله‌برفی بود و ۱۳ مصاحبه انجام شد تا داده‌ها به اشباع نظری رسید و در بخش کمی روش نمونه‌گیری به صورت دسترس بود که تعداد ۱۰۸ نفر پرسشنامه را به طور کامل پاسخ دادند. از نظریه داده بنیاد و روش گلیزر برای تحلیل داده‌های کیفی و از مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس برای تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

کلید واژگان

عوامل بازدارنده

توسعه

استارت‌آپ

تربیت‌بدنی

استان خراسان رضوی

نتایج: یافته‌ها نشان داد که ۵ عامل کلی به عنوان بازدارنده استارت آپ‌های دانشجویان تربیت‌بدنی وجود دارد که شامل عوامل فردی، سواد غیرعملیاتی، موانع اقتصادی، موانع ساختاری و ضعف سیستم آموزشی تربیت‌بدنی می‌باشد.

نتیجه گیری: نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل تحقیق از برازش خوبی برخوردار است و تمامی مسیرها معنادار می‌باشند و همچنین امتیاز نرمال نشده متغیر فردی از سایر مولفه‌ها بیشتر است. به ترتیب متغیر سواد غیرعملیاتی با امتیاز نرمال شده ۰/۲۷۰، متغیر موانع اقتصادی با امتیاز نهایی نرمال شده ۰/۱۵۱، موانع ساختاری با امتیاز نهایی نرمال شده ۰/۰۷۸ و مقوله ضعف آموزش تربیت بدنی با امتیاز نهایی نرمال شده ۰/۰۴۸ در اولویت‌های بعدی قرار داشت.

مقدمه

با توجه به اهمیت ورزش و فعالیت های بدنی و سبک زندگی سالم و جلوگیری از مشکلات ناشی از کم تحرکی و همچنین افزایش دانش کاربردی اطلاعات در حوزه ورزش و رقابت، طی سال های اخیر شرکت های استارتاپی ورزشی در این زمینه اقدامات مهمی برداشته است. کارآفرینی در ورزش، حوزه‌ی به‌سرعت در حال رشدی از کارآفرینی و تحقیقات مدیریت ورزش است. فرایند کارآفرینی در ورزش دربردارنده‌ی فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی و نوآوری اجتماعی است که در زمینه‌ی ورزشی انجام می‌شوند (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۸). از طرفی صنعت ورزش در دنیا به طور متوسط هفت درصد رشد داشته است که این مقدار رشد، از متوسط نرخ رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها بالاتر است (قربانی و وحدانی، ۱۳۹۵). به همین دلیل مسئله اشتغال دانشجویان تربیت بدنی زیر سایه استارت آپ های قرار دارد.

در سال های اخیر حیطه استارتاپ ها رشد زیادی داشته اند (خاشعی و اسدی، ۱۳۹۸) و یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند حیطه‌ی جدیدی از استارتاپ‌های موفق را ایجاد کند، حوزه ورزش است. ورزش به ساختار اجتماعی بیشتر کشورهای جهان گره خورده و چشم‌انداز منحصر به فردی از کارآفرینی فراهم می‌کند. فرایند کارآفرینی در ورزش را معمولا سازمان‌ها، افراد یا دولت‌هایی آغاز می‌کنند که هم در حوزه اقتصادی و هم اجتماعی حضور موثری دارند. به طور مثال در حوزه ورزش فرصت‌هایی در حوزه‌های برای سبک زندگی با تحرک (کیاپی و سیمونی^۱، ۲۰۰۵)، کسب و کارهای ورزش قهرمانی (ایروین^۲ و همکاران، ۲۰۰۸)، مورد استفاده برای ورزش عمومی و همگانی (مورا^۳، ۲۰۱۲) و ورزش آماتوری وجود دارد که ایده‌پردازان و علاقه‌مندان به کارآفرینی می‌توانند به این حوزه‌ها فکر و در بازار خوبی ورود پیدا کنند. یکی از گروه‌هایی که همواره با ایده‌هایی خلاقانه به این عرصه ورود پیدا می‌کنند، دانشجویان می‌باشند که از زمان ورود به دانشگاه دغدغه-ی کار و شغل آینده خود را دارند، اما به نظر می‌رسد هنوز عواملی که موجب رشد و توسعه کسب و کارهای استارتاپی در ورزش می‌شود شناسایی نشده است. در این راستا موانع رشد استارتاپ ها را می‌توان با عنوان بازدارنده در نظر گرفت که در این زمینه مند علیزاده و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی انجام دادند و نتایج نشان دادند ارتباط معناداری بین زیرساخت‌های کسب و کار و برنامه‌های آموزشی با توسعه کارآفرینی ورزشی وجود دارد؛ امینی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود موانع کارآفرینی ورزشی از نظر دانشجویان را بررسی کردند و نتایج نشان داد بیشترین وزن از نظر دانشجویان به موانع آموزشی و

سپس فردی اختصاص یافت. بنابراین در این دو تحقیق ملاحظه می‌شود موانع آموزشی و فردی به عنوان یک عامل بازدارنده در توسعه کارآفرینی های ورزشی در نظر گرفته شده است که برای تصدیق نتایج فوق می‌توان تحقیق یداللهی و همکاران (۱۳۹۰) را تحت عنوان مطالعه‌ی موانع کار آفرینی در ورزش کشور نام برد که نتیجه گرفت که عامل‌هایی مانند عدم میزان سرمایه‌گذاری زیربنایی دولت در ورزش، عدم توجه به کیفیت محصولات و خدمات، عدم میزان تشویق جو و فضای عمومی حاکم بر جامعه به خلق و اجرای ایده‌های جدید، نبود میزان رقابت در بازار ورزشی (تولید تجهیزات ورزشی و باشگاه‌داری)، به عنوان عوامل بازدارنده در توسعه کار آفرینی های ورزشی در نظر گرفت. پس با مقایسه‌ی دو تحقیق فوق می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری های زیربنایی دولت در ورزش و توجه به ایده های جدید را می‌توان یک عامل پیش برنده و هم چنین نبود آن ها را می‌توان به عنوان یک عامل بازدارنده در نظر گرفت.

دانشجویان تربیت بدنی با توجه به حیطه‌ی گسترده فعالیت‌های ورزشی به تدریج به ایجاد یک کسب و کار جدید روی می‌آورند، اما مشکلات و موانع موجود باعث می‌شود در این عرصه موفقیت‌چندانی کسب نکنند و نتوانند کسب و کار خود را توسعه دهند. طبق تحقیق نادری و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان پدیدارشناسی موانع ایجاد و راه اندازی استارت آپ های تربیت بدنی، می‌توان عدم توسعه استارتاپ های تربیت بدنی را نتیجه‌ی کمبود اعتبارات ریالی، فقدان نظام تشویقی و حمایتی دانست پس مساله اصلی این پژوهش در واقع عدم توسعه استارتاپ های ورزشی است که از طریق دانشجویان تربیت بدنی ایجاد شده است. واقعیت این است که تعداد استارتاپ‌هایی که در مسیر خود با شکست مواجه می‌شوند بسیار زیاد است. براساس آمار، ۵۰٪ استارتاپ‌ها در ۵ سال اول و ۷۰٪ آنها در ۱۰ سال اول فعالیت خود شکست خواهند خورد. مطالعات دیگری میزان شکست استارتاپ‌ها را تا ۹۰٪ و مطالعه‌ی دیگری تا ۷۵٪ اعلام کرده‌اند (نادری و یوسفی، ۱۳۹۵). استارتاپ‌های فراوانی با ایده‌ای که تصور می‌کردند مشتریان می‌خواهند، کار خود را آغاز کردند. این استارتاپ‌ها سپس ماه‌ها، گاهی سال‌ها وقت صرف کردند تا محصولشان را بی‌نقص کنند بدون اینکه حتی یک بار آن را به مشتریان آینده خود حتی در یک قالب ابتدایی نشان دهند. اغلب آنها خود را از نظر مشتریان‌شان محروم می‌کنند. آنها اغلب هرگز با مشتریان‌شان صحبت نمی‌کنند که آیا از نظر آنان محصول جذاب است یا خیر. زمانی که در نهایت مشتریان با بی‌اعتنایی

خراسان رضوی نقش دارد را با ذکر دلیل معرفی کنند. بخش دوم که کمی بود پس از ساخت پرسشنامه ابتدا توسط متخصصان و خبرگان از نظر روایی صوری و محتوایی مورد بررسی ۸ تن قرار گرفت و پس از تأیید در بین حجم جامعه آماری توزیع شد. از نظریه داده بنیاد و روش گلیزر برای تحلیل داده های کیفی و از مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار اسمارت پی.ال.اس برای تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

یافته ها

با توجه به عنوان تحقیق یعنی شناسایی و اولویت بندی عوامل بازدارنده در رشد استارت آپ‌های دانشجویان تربیت بدنی استان خراسان رضوی یافته‌های تحقیق در دو بخش کیفی و کمی مطرح شد. ابتدا ویژگی های جمعیت شناختی و افراد مورد مطالعه تحقیق در بخش یافته های توصیفی بیان شد، سپس به اهداف استنباطی تحقیق نیز پرداخته شد. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی افراد بیان شد.

جدول ۱. توصیف ویژگی های جمعیت شناختی نمونه تحقیق

متغیر	ویژگی	فراوانی	درصد
سن	کمتر از ۳۵ سال	۲۲	۲۰/۴
	۳۵ تا ۴۰ سال	۲۷	۲۴/۳
	۴۰ تا ۴۵ سال	۲۶	۲۴/۱
	۴۵ تا ۴۰ سال	۲۳	۲۱/۳
	جمع کل	۱۰۸	۱۰۰
سابقه کاری	کمتر از ۵ سال	۲۲	۲۰/۴
	۵ تا ۱۰ سال	۳۷	۳۵/۴
	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۶	۲۷/۸
	بیشتر از ۱۵ سال	۲۳	۲۶/۶
جمع کل	۱۰۸	۱۰۰	
سطح تحصیلات	کارشناسی	۱۲	۱۱/۱
	کارشناسی ارشد	۳۵	۳۲/۴
	دانشجوی دکتری	۲۲	۲۰/۴
	دکتری	۱۹	۳۶/۸
جمع کل	۱۰۸	۱۰۰	
جنسیت	مرد	۹۱	۸۴/۳
	زن	۱۷	۱۵/۷
	جمع کل	۱۰۸	۱۰۰

در ادامه نتایج مصاحبه ها در مورد عوامل بازدارنده بر توسعه استارت آپ‌های دانشجویان تربیت بدنی بیان شد. در این قسمت کدهای محوری حاصل از نشانه ها در مصاحبه های صورت گرفته به همراه کد مصاحبه شونده و مفهوم سازی در مورد کدهای محوری که در واقع همان کدهای گزینشی هستند در جدول ۲ ارائه شد.

خود نسبت به ایده نظرشان را می‌گویند متوجه می‌شوند که شکست خورده اند (علی پور، ۱۳۹۳). طبق تحقیق نادری و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان پدیدارشناسی موانع ایجاد و راه اندازی استارت‌آپ های تربیت بدنی به این نتیجه رسیدند که جذابیت پایین فعالیت در بخش تربیت بدنی برای جذب سرمایه، تفکر هزینه بالا و حاشیه سود پایین فعالیت های مرتبط با تربیت بدنی، سوء مدیریت کلان و فقدان تشخیص اولویت های بخش های تربیت بدنی، ناتوانی سیستم اطلاع رسانی دولت جهت خدمت رسانی به طرح های ایده محور تربیت بدنی، ضعف مدیریتی و عدم اتخاذ تصمیمات راهبردی برای پیشرفت در بخش های تربیت بدنی، محدودیت اختصاص سالن و امکانات برای استارت‌آپ های تربیت بدنی در مجموعه های ورزشی، هزینه بالای تامین تجهیزات و ملزومات اولیه جهت راه اندازی استارت‌آپ تربیت بدنی، احتمال بالای سرقت ایده به دلیل طولانی بودن روند اخذ پروانه ساخت در بخش های تربیت بدنی، زمان بر و هزینه بر بودن پروسه اخذ مجوزهای لازم از مراجع زیربسط مانند وزارت ورزش، پس از راه اندازی اینگونه کسب و کارها، بعد از مدتی مشکلات موجود مانع از توسعه استارت‌آپ ها و در نهایت حذف آنها می شود.

با توجه به مطالب بیان شده، درک می شود که توسعه استارت آپ‌های ورزشی تحت تاثیر شدید عوامل بازدارنده ای است که تاثیر شدیدی می گذارند، از طرفی با مقایسه نتایج تحقیقات گذشته می توان درک کرد که خلاء ها و محدودیت های استارت آپ‌های ورزشی به طور کامل شناسایی نشده است و نیازمند بررسی مجدد و دقیق تر می باشد؛ بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که عوامل بازدارنده رشد استارت‌آپ های دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه های استان خراسان رضوی چیست؟

روش شناسی

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است که که جزء تحقیقات اکتشافی تحلیلی محسوب می شود. از طرفی به دلیل ماهیت کیفی و کمی بودن جزء تحقیقات آمیخته می باشد. جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی و کمی شامل اعضای هیات علمی رشته ی تربیت بدنی در استان خراسان، فارغ التحصیلان کارشناسی و دانشجویان ارشد و دکتری رشته تربیت بدنی و مدیران استارت آپ های ورزشی خراسان رضوی تشکیل داد. روش نمونه گیری در بخش کیفی به شیوه گلوله برفی بود و ۱۳ مصاحبه انجام شد تا داده ها به اشباع نظری رسید و در بخش کمی روش نمونه گیری به صورت دسترس بود که تعداد ۱۰۸ نفر پرسشنامه را به طور کامل پاسخ دادند. در بخش کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی میانی نظری استفاده شد و از خبرگان خواسته شد تا عوامل موثر بازدارنده ای که در رشد استارت آپ‌های دانشجویان تربیت بدنی استان

جدول ۲. نشانه ها و کدگذاری باز مصاحبه های صورت گرفته در مورد عوامل بازدارنده

شماره مصاحبه شونده	کدهای گزینشی	شماره	کدهای محوری
N1, N2, N4, N5, N6	عوامل فردی	۱	فقدان توسعه فردی دانشجویان
		۲	فقدان انگیزه برای حرکت (میهم دیدن آینده)
		۳	نداشتن تحمل و راحت طلبی
		۴	ترس از شکست
		۵	فقدان تجربه کافی
		۶	دلسردی و خستگی دانشجویان
		۷	عدم آگاهی و شتابزدگی
		۸	داشتن فضای ذهنی تک بعدی
		۹	نبود دانش کسب و کار
		۱۰	عدم داشتن یک تیم متخصص و منسجم
N1, N2, N3, N4, N5	سواد غیر عملیاتی	۱۱	نادیده گرفتن فضای رقابتی و رقبا
		۱۲	عدم وجود کلاس های کاربردی در دانشگاه
		۱۳	نبود کار تیمی منسجم
		۱۴	نداشتن کمک مالی حمایتی
N1, N2, N3, N4, N5, N6	موانع اقتصادی	۱۵	مالیات نامتعارف برای کسب و کار جدید
		۱۶	مشکلات تامین مالی و عدم همکاری بانک ها
		۱۷	تورم اقتصادی
		۱۸	عدم وجود بیمه
		۱۹	نوسانات بازار
		۲۰	ریسک فضای کسب و کار در ایران
N2, N3, N4, N5, N6, N7	موانع ساختاری	۲۱	بروکراسی های دولتی
		۲۲	مشکلات گرفتن مجوز
		۲۳	سلسله مراتب اداری سنگین
		۲۴	سردرگمی در روند گرفتن مجوزهای لازم
N4, N5, N6, N7, N8, N9	ضعف سیستم آموزش تربیت بدنی	۲۵	عدم وجود ساختار یا نظام مالکیت فکری
		۲۶	عدم وجود نهاد پشتیبان در دانشگاه
		۲۷	جایگاه ضعیف تربیت بدنی
		۲۸	نداشتن الگو در دانشگاه از نظر عملیاتی
		۲۹	جایگاه نامناسب تربیت بدنی در مراکز رشد

جدول ۳. شاخص های توصیفی عوامل بازدارنده

کدهای گزینشی	شماره	گویه ها	میانگین	انحراف معیار
عوامل فردی	۱	فقدان توسعه فردی دانشجویان	۲/۲۶	۱/۱۵
	۲	فقدان انگیزه برای حرکت (میهم دیدن آینده)	۲/۱۳	۱/۰۴
	۳	نداشتن تحمل و راحت طلبی	۲/۲۹	۱/۱۵
	۴	ترس از شکست	۲/۲۳	۱/۰۷
	۵	فقدان تجربه کافی	۲/۲۴	۱/۰۹
	۶	دلسردی و خستگی دانشجویان	۲/۴۲	۱/۲۲
	۷	عدم آگاهی و شتابزدگی	۲/۱۴	۱/۰۸
	۸	داشتن فضای ذهنی تک بعدی	۲/۰۷	۱/۰۱
	۹	نبود دانش کسب و کار	۲/۴۹	۱/۳۶
	۱۰	عدم داشتن یک تیم متخصص و منسجم	۲/۳۹	۱/۳۱
سواد غیر عملیاتی	۱۱	نادیده گرفتن فضای رقابتی و رقبا	۲/۵۱	۱/۳۷
	۱۲	عدم وجود کلاس های کاربردی در دانشگاه	۲/۴۷	۱/۳۸
	۱۳	نبود کار تیمی منسجم	۲/۴۰	۱/۲۸
	۱۴	نداشتن کمک مالی حمایتی	۲/۷۵	۱/۴۳
موانع اقتصادی	۱۵	مالیات نامتعارف برای کسب و کار جدید	۲/۶۶	۱/۴۶
	۱۶	مشکلات تامین مالی و عدم همکاری بانک ها	۲/۶۵	۱/۴۴
	۱۷	تورم اقتصادی	۲/۷۷	۱/۴۱
	۱۸	عدم وجود بیمه	۲/۷۵	۱/۴۴
	۱۹	نوسانات بازار	۲/۹۰	۱/۴۵
	۲۰	ریسک فضای کسب و کار در ایران	۲/۸۶	۱/۴۳
موانع ساختاری	۲۱	بروکراسی های دولتی	۲/۷۶	۱/۴۲
	۲۲	مشکلات گرفتن مجوز	۲/۶۴	۱/۳۴
	۲۳	سلسله مراتب اداری سنگین	۳/۱۲	۱/۳۶
	۲۴	سردرگمی در روند گرفتن مجوزهای لازم	۳/۰۶	۱/۳۹

۱/۴۳	۲/۹۶	عدم وجود ساختار یا نظام مالکیت فکری	۲۵
۱/۳۸	۲/۸۴	عدم وجود نهاد پشتیبان در دانشگاه	۲۶
۱/۳۸	۲/۸۹	جایگاه ضعیف تربیت بدنی	۲۷
۱/۳۰	۲/۸۱	نداشتن الگو در دانشگاه از نظر عملیاتی	۲۸
۱/۳۵	۲/۷۹	جایگاه نامناسب تربیت بدنی در مراکز رشد	۲۹

ترکیبی در مدل سازی ساختاری معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می رود.

جدول ۵. ضریب پایایی ترکیبی عوامل بازدارنده استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی

سازه	CR
موانع اقتصادی	۰/۹۶۸
ضعف آموزش تربیت بدنی	۰/۸۴۷
موانع ساختاری	۰/۹۲۱
سواد غیرعملیاتی	۰/۹۲۸
عوامل فردی	۰/۹۵۱

با توجه به بالاتر بودن ضریب پایایی ترکیبی متغیرهایی جدول فوق نشان دهنده ی مناسب و برازش قابل قبول مدل های اندازه گیری است.

روائی مدل بیرونی

برای بررسی روائی مدل بیرونی از دو معیار استفاده شده است. معیار اول روائی همگرا و معیار دوم روائی واگرا می باشد.

روایی همگرا

معیار اول از بررسی برازش مدل های اندازه گیری، روایی همگرا می باشد که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص ها) خود می پردازد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است (بارکلی و همکاران، ۱۹۵). فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشته اند که مقدار عدد بحرانی ۰/۵ می باشد. در جدول زیر مقدار این ضریب برای هر یک از سازه ها ارائه شده است یافته ها نشان دهنده ی میزان AVE برای هر یک از سازه های پژوهش بیش از مقدار بحرانی (۰/۵) بوده که نشان از روایی مناسب مدل دارد.

جدول ۶. میانگین واریانس استخراج شده عوامل بازدارنده استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی

سازه	AVE
موانع اقتصادی	۰/۸۱۳
ضعف آموزش تربیت بدنی	۰/۵۸۸
موانع ساختاری	۰/۷۰۱
سواد غیرعملیاتی	۰/۷۲۲
عوامل فردی	۰/۷۱۰

جدول بالا نتایج شاخص توصیفی عوامل بازدارنده توسعه استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی را نشان می دهد. همانطور که ملاحظه می شود بالاترین میانگین مربوط به سلسله مراتب اداری سنگین ($m=۳/۱۲$) می باشد و پایین ترین میانگین مربوط به داشتن فضای ذهنی تک بعدی ($m=۲/۰۷$) می باشد.

پایائی مدل بیرونی

برای بررسی پایائی مدل بیرونی از معیار ضریب آلفای کرونباخ و معیار پایائی ترکیبی (CR) استفاده شده است. الف) ضریب آلفای کرونباخ ضریب آلفای کرونباخ عاملی است که مقدار آن از ۰ تا ۱ متغیر است، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ (کرونباخ، ۱۹۵۱)، نشانگر پایایی قابل قبول است. البته موس^۱ و همکاران (۱۹۹۸) در مورد متغیرهایی با تعداد سؤالات اندک، مقدار ۰/۶ را به عنوان سرحد ضریب آلفای کرونباخ معرفی کرده اند. در جدول زیر مقدار این ضریب برای هر یک از عوامل برآورد شده است.

جدول ۴. ضریب آلفای کرونباخ عوامل بازدارنده استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی

سازه	آلفای کرونباخ
موانع اقتصادی	۰/۹۶۲
ضعف آموزش تربیت بدنی	۰/۸۴۹
موانع ساختاری	۰/۹۰۳
سواد غیرعملیاتی	۰/۹۰۳
عوامل فردی	۰/۹۴۲

مطابق با جداول بالا معیارها برای ۵ سازه ی مورد نظر بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد.

ب) پایائی ترکیبی

این معیار توسط ورتس^۲ و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شده است و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این می باشد که پایایی سازه ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه- هایشان با یکدیگر محاسبه می گردد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ (نونالی، ۱۹۷۸)^۳ شود، نشان دهنده ی پایایی درونی مناسب برای مدل های اندازه گیری است و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). ذکر این نکته ضروری می باشد که پایایی

³ Nunnally

¹Moss

² Werts

روایی واگرایی

در این پژوهش برای بررسی روایی و واگرایی از روش فورنل و لارکر استفاده گردیده است.

یافته های آزمون فورنل و لارکر در جدول ۴-۲۱ نشان داده شده است. این یافته ها نشان می دهد مقدار جذر AVE

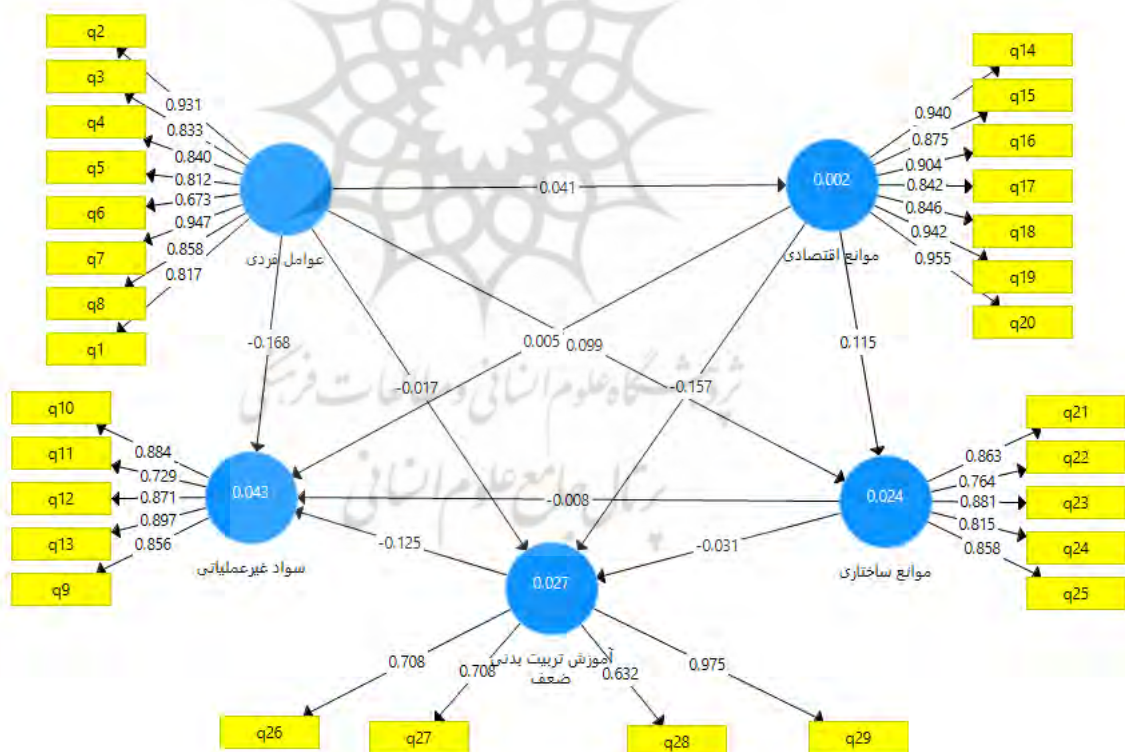
متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته اند، از مقدار همبستگی میان آن ها که در خانه های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده اند بیشتر است. از این رو می توان گفت که متغیرهای مکنون در مدل تعامل بیشتری با شاخص های خود دارا می باشند، تا با سازه های دیگر و روایی واگرای مدل در حد مناسبی است.

جدول ۷. آزمون فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرایی عوامل بازدارنده استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی

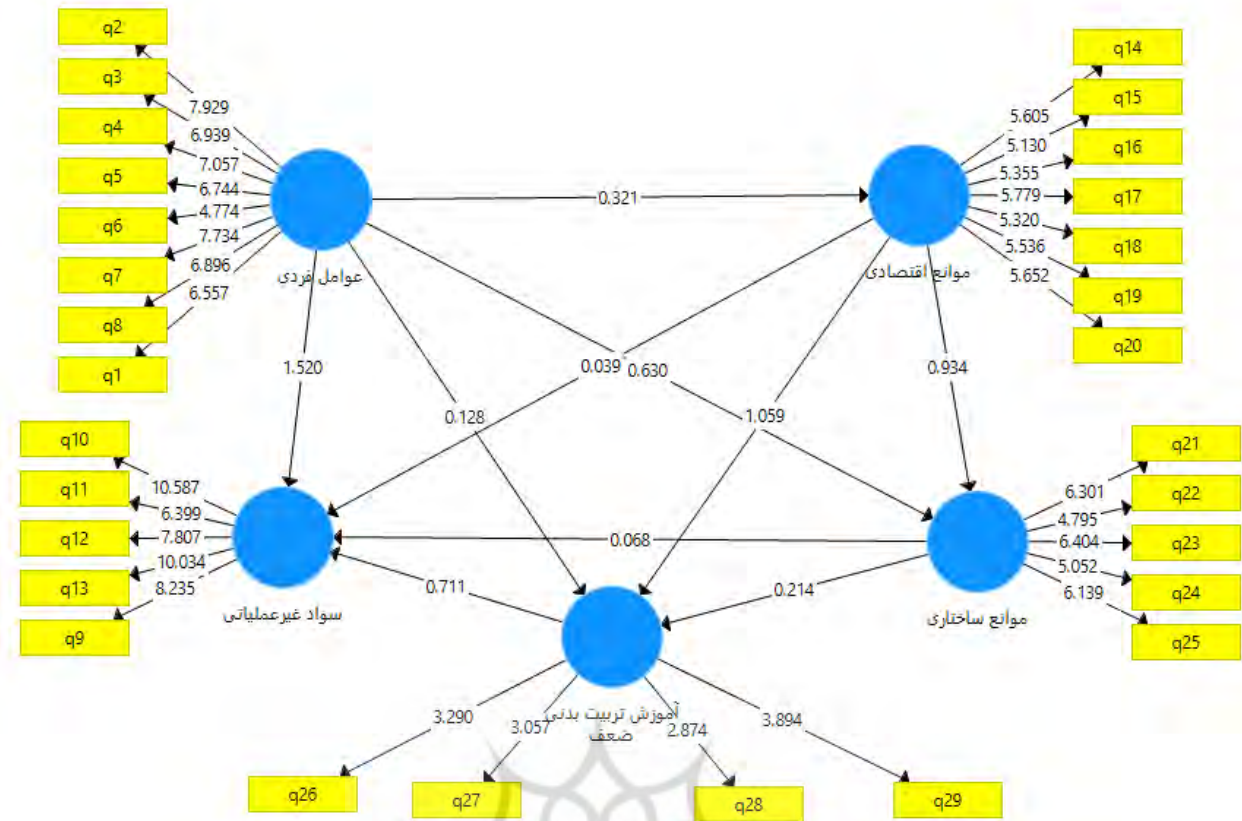
عوامل فردی	سواد غیر عملیاتی	موانع ساختاری	ضعف آموزش تربیت بدنی	موانع اقتصادی
۰/۸۴۲	-۰/۱۶۶	۰/۱۰۴	-۰/۰۲۷	۰/۰۴۱
۰/۸۵	-۰/۰۱۹	۰/۸۳۷	-۰/۰۵۱	۰/۱۱۹
۰/۷۶۷	۰/۱۶۲	۰/۱۱۹	-۰/۰۵۱	۰/۱۱۹
۰/۸۳۷	-۰/۰۱۹	۰/۸۳۷	-۰/۰۵۱	۰/۱۱۹
۰/۸۵	-۰/۰۱۹	۰/۸۳۷	-۰/۰۵۱	۰/۱۱۹
۰/۸۴۲	-۰/۱۶۶	۰/۱۰۴	-۰/۰۲۷	۰/۰۴۱

همانگونه که از جدول برگرفته از روش فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مشخص است، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته اند، از مقدار همبستگی میان آن ها که در خانه های زیرین و چپ

قطر اصلی ترتیب داده شده اند بیشتر می باشد. از این رو می توان گفت که متغیرهای مکنون در مدل تعامل بیشتری با شاخص های خود دارند تا با سازه های دیگر و روایی واگرای مدل در حد مناسبی است.



شکل ۱. مدل تحقیق استاندارد عوامل بازدارنده استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی



شکل ۲. مدل تحقیق در حالت شاخص تی

برای رتبه بندی عوامل بازدارنده مؤثر بر توسعه استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی از روش تحلیل سلسله مراتبی که در واقع به مقایسه دو به دو می پردازد، استفاده شد. رتبه بندی تحلیل سلسله مراتبی از قرار زیر است:

همانطور که در تصاویر مشخص است، در تمامی شاخص های مربوط به عوامل بازدارنده استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی، ضرایب بیشتر از ۰/۴ و در حالت مقیاس t بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان می دهد شاخص ها برای اندازه گیری ابعاد مناسب هستند.

Combined instance -- Synthesis with respect to: Goal: ranking

Overall Inconsistency = .02



شکل ۳. امتیاز نهایی نرمال نشده رتبه های عوامل بازدارنده مؤثر بر توسعه استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی

غیرعملیاتی با امتیاز نرمال شده ۰/۲۷۰ و در رتبه سوم متغیر مواع اقتصادی با امتیاز نهایی نرمال شده ۰/۱۵۱ قرار دارد و در رتبه چهارم مواع ساختاری با امتیاز نهایی نرمال شده ۰/۰۷۸ و در رتبه آخر مقوله ضعف آموزش تربیت بدنی با امتیاز نهایی نرمال شده ۰/۰۴۸ قرار دارد.

همانطور که شکل نشان می دهد امتیاز نرمال نشده متغیر فردی (۰/۴۵۳) از سایر مولفه ها بیشتر است. لذا در مورد عوامل بازدارنده مؤثر بر توسعه استارتاپ های دانشجویان تربیت بدنی با اهمیت ترین شاخص، مولفه ی عوامل فردی می باشد. در رتبه دوم اهمیت متغیر سواد

جدول ۸. ماتریس میانگین هندسی عوامل بازدارنده مؤثر بر توسعه استارت‌های دانشجویان تربیت بدنی

	economicalProblems	physicaleducationWeakness	instructureProblems	Non-operationalLireracy	individualFactors
economicalProblems		3.77635	2.16894	2.16894	3.17767
physicaleducationWeakness			2.16894	4.95934	7.18946
instructureProblems				4.18256	5.54666
Non-operationalLireracy					2.16894
individualFactors	Incon: 0.02				

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر شناسایی و اولویت بندی عوامل بازدارنده توسعه استارت آپ های ورزشی دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه های استان خراسان رضوی بود. از این رو نتایج نشان داد که پنج مولفه‌ی عوامل فردی، سواد غیرعملیاتی، موانع اقتصادی، موانع ساختاری و ضعف سیستم آموزش تربیت بدنی می‌توانند به عنوان بازدارنده‌ها برای توسعه استارت‌آپ های دانشجویان تربیت بدنی در نظر گرفته شوند. نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات محمدزاده و همکاران (۱۳۹۹)، حاجی کریمی و شکیبی (۱۳۹۹)، سار و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در رتبه اول عوامل بازدارنده عوامل فردی قرار دارد. تقریباً در تمام موارد، موفقیت نتیجه انجام کارها برای اولین بار نیست. در عوض، به تدریج مشخص می‌شود که این کار چگونه انجام نمی‌شود. موفقیت نتیجه قدرت ذهنی است که آنچه را درست انجام می‌دهیم ثابت نگه داریم، تا زمانی که درست متوجه شویم. عوامل فردی بازدارنده برای رشد استارت‌آپ‌ها در این پژوهش عبارت از فقدان توسعه فردی دانشجویان، فقدان انگیزه برای حرکت (مبهم دیدن آینده)، نداشتن تحمل و راحت طلبی، ترس از شکست، فقدان تجربه کافی، دلسردی و خستگی دانشجویان، عدم آگاهی و شتابزدگی، داشتن فضای ذهنی تک بعدی بود. از مواردی که منجر به بازدارندگی توسعه استارت‌آپ‌ها در نظر گرفته شد ترس از شکست بود. تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرین خواه زن باشد خواه مرد، شخصی است میانه رو، که حساب شده مخاطره می‌کند. او لزوماً در پی فعالیتی نیست که مخاطره آن زیاد باشد، بلکه مایل است مقدار متوسطی از مخاطره را که برای شروع فعالیت اقتصادی «معمولی» تلقی می‌شود، بپذیرد و در این حد حاضر می‌شود تا پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به مخاطره اندازد (گلابی و همکاران، ۱۳۹۰). در رتبه دوم عوامل بازدارنده سواد غیرعملیاتی قرار دارد. با توجه به اینکه نگرش بیشتر کسانی در دانشگاه مشغول به تحصیل هستند، به کار دولتی است و

در نتیجه دانشگاه و دانشجو به دنبال توسعه دانش عملی نیستند در نتیجه فارغ التحصیلان معمولاً با یک سری حفظیات فارغ التحصیل می‌شوند. نتیجه تحقیق برومند و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که موانع بیرونی نقش مهم تری نسبت به عوامل درونی در مشکلات اشتغال دانش آموختگان تربیت بدنی دارد. بر مبنای مطالعات انجام شده در ۵۰ سال اخیر، کشورهای تأثیرگذار بر صحنه بین‌المللی علاوه بر دارا بودن سطح و علمی آموزشی دانشگاهی بسیار بالا و صنایع برتر و قدرتمند، دارای ارتباطی قوی بین دو می‌باشند (اینزلت^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). در این حیطة مطالعات زیادی صورت گرفته است که کاهش نرخ بیکاری موجبات رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها می‌باشد، بنابراین می‌بایست تولید علم در دانشگاه‌ها موجبات رشد و توسعه سواد عملی دانشجویان را توسعه دهد که هنگامی که دانشجو درس خود را تمام می‌کند مهارتی برای ارائه در جامعه داشته باشد. بنابراین توصیه می‌شود در کنار درس‌های تئوری و گذران تعداد درس‌های عملی زیاد در دوره کارشناسی، مقداری هم به فرآیند توسعه سواد عملی دانشجویان اهمیت داده شود. همچنین یکی دیگر از راه‌کارها می‌تواند ارتباط صنعت با دانشگاه باشد که در رشته تربیت بدنی بسیار کم به چشم می‌خورد در حالی که بسیاری از صناعت‌ها برای بهبود وضعیت جسمی و روحی منابع انسانی خود نیازمند ورزش و فعالیت بدنی هستند. در صورتی که دانش آموختگان تربیت بدنی بتوانند به صورت عملی دانش‌های لازم را بیاموزند، به نظر می‌رسد بازار کار مناسبی را نیز داشته باشند. در رتبه سوم اهمیت عوامل بازدارنده مشکلات یا موانع اقتصادی قرار داشت. موانع اقتصادی عبارت بودند از نداشتن کمک مالی حمایتی، مالیات نامتعارف برای کسب و کار جدید، مشکلات تامین مالی و عدم همکاری بانک‌ها، تورم اقتصادی، عدم وجود بیمه، نوسانات بازار و ریسک فضای کسب و کار در ایران می‌باشد. نادری و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود، عدم سرمایه‌گذاری و حمایت مالی از طرف دولت را به عنوان یک راه کار برای توسعه استارت‌آپ‌ها در نظر گرفتند. برخی از

موارد به نظر می رسد ساختاری باشند. اما با نگاهی دقیق تر می توان گفت این موارد نتیجه آموزش و کوتاهی در آموزش درست این رشته می باشد. رشته ای که به نظر می رسد مهم ترین رشته در توسعه بهداشت و سلامت در جامعه می باشد. جایگاه مناسبی ندارد. اساتید تربیت بدنی معمولاً فقط به شغل معلمی خود می پردازند. و در بازار آزاد کم می شود که از اساتید سیستم کاری منحصر به فردی برای خود ایجاد کنند. بنابراین در این شرایط دانشجو نیز خود را موظف می داند که شبیه اساتید خود شود و برای رسیدن به آن تلاش نماید. در هر صورت می توان گفت جایگاه تربیت بدنی به نظر می رسد در دانشگاه ها به صورت کلی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و در تصمیم گیری های اساسی این رشته فراموش می شود. مدیران دانشگاه بیشتر به کسب و کارهای رشته های علوم پایه و مهندسی توجه می کنند و توجه لازم به این رشته با توجه به اینکه حساسیت بالایی نیز دارد کم است.

به عنوان نتیجه گیری کلی از این پژوهش می توان یک پیشنهاد کلی ارائه داد: می بایست برای نیروی انسانی فارغ التحصیل تربیت بدنی و دانشجو، برنامه داشت. به هر ترتیب دانشجو نه توان مالی زیادی دارد و نه ارتباطات زیادی با نهادهای خاص دارد. بنابراین می باید از طرف دولت حمایت های لازم صورت گیرد. دولت می تواند بانک، دانشگاه و سایر نهادهایی که می توانند به این قشر کمک کنند باشد. مثال های دیگر ادارات ورزش و جوانان شهرستان ها و استان ها. شهرداری ها و حتی کارخانه های بزرگ. هماهنگی دولت با شرکت ها و کارخانه های خصوصی و همچنین ابلاغیه یا بخشنامه به سازمان های تحت نظارت مستقیم دولت در جهت حمایت قشر دانشجو می تواند بسیاری از مشکلات بیکاری را حل کند. نکته قابل توجه این است حل نشدن مشکلات شغلی دانشجویان در نهایت گریبانگیر خود دولت و حکومت است و بیکاری می تواند هزینه بیشتری را به دولت وارد آورد.

موارد موجود اقتصادی موجود در این تحقیق به راحتی می تواند رفع رجوع شود. به عنوان مثال عدم همکاری بانک ها برای تاسیس و یا رشد استارتاپ ها. هر روزه شنیده و دیده می شود که دولت وام های با بهره پایین برای راه اندازی کسب و کارها قرار می دهد، اما در عمل این چنین نیست. بنابراین تدوین یک بخشنامه و ابلاغ آن به بانک ها با لحاظ شدن شرایط، می تواند موجب توسعه استارتاپ های ورزشی و در نتیجه کاهش نرخ بیکاری حداقل در فارغ التحصیلان تربیت بدنی شود.

در رتبه چهارم اهمیت بازدارنده ها مشکلات ساختاری قرار داشت. مشکلات ساختاری موجود عبارت از بروکراسی های دولتی، مشکلات گرفتن مجوز، سلسله مراتب اداری سنگین، سردرگمی در روند گرفتن مجوزهای لازم و عدم وجود ساختار یا نظام مالکیت فکری بودند. ظرفیت جوانان نخبه ای دانشگاهی یکی از مهم ترین سرمایه های انسانی موجود در کشور است که به دلیل وجود یک عیب ساختاری یعنی «فقدان سازوکار مناسب برای استفاده از ظرفیت نیروی انسانی کشور» در حال به هدر رفتن است (غنیان و همکاران، ۱۳۹۵). اصلاح این اشکال ساختاری از این منظر به شدت می تواند در رونق تولید ملی مؤثر باشد که در بستر تصحیح آن بسیاری از گره های موجود در عرصه ی تولیدات داخلی از جمله برخی فناوری های راهبردی مورد نیاز که به دلیل تحریم با چالش مواجه گردیده است، را می تواند باز نماید و در نتیجه منجر به شکوفایی تولید ملی گردد. راهبردی که در برخی از بخش ها، تجربیات شیرینی را برای ما رقم زده است. از این رو رفع موانع ساختاری توسعه استارتاپ ها می تواند منجر به استفاده بهتر از ظرفیت نیروی انسانی خصوصاً در جامعه دانش آموختگان و دانشجویان تربیت بدنی باشیم. در آخرین رده اهمیت بازدارنده های توسعه استارتاپ ها ضعف آموزش تربیت بدنی قرار داشت. عوامل این فاکتور عبارت از عدم وجود نهاد پشتیبان در دانشگاه، جایگاه ضعیف تربیت بدنی، نداشتن الگو در دانشگاه از نظر عملیاتی، جایگاه نامناسب تربیت بدنی در مراکز رشد بودند. در درجه اول

منابع

امینی، مرجان؛ جمشیدی، رحیم؛ حیدری نژاد، صدیقه؛ (۱۳۹۳)، اولویت بندی موانع کارآفرینی از نظر دانشجویان تربیت بدنی با استفاده از روش TOPSIS، پژوهش در ورزش تربیتی « بهار و تابستان ۱۳۹۳ - شماره ۶ علمی-پژوهشی/ISC (۱۸) صفحه - از ۱۵ تا ۳۲).

جعفرزاده زرنندی، محبوبه؛ رزاقی، محمد ابراهیم؛ میرزااکبری، اعظم؛ (۱۳۹۸)، جایگاه آی تی در توسعه فرصت های کارآفرینی در ورزش، مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی « تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۲۴ علمی-ترویجی/ISC (۱۴) صفحه - از ۱۵ تا ۲۸).

خاشعی وحید، اسدی رضا، (۱۳۹۸) طراحی مدل کنترل راهبردی در استارتاپ های اینترنتی، مطالعات مدیریت راهبردی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۲۵-۱۳۹.

علیپور، ثریا، (۱۳۹۹)، تأثیر مولفه های فرهنگی بر عملکرد سازمانی در استارتاپ ها، مطالعات بین رشته ای، دوره ۲، شماره ۴ #r001225 صفحه ۱۲ تا صفحه ۲۰.

فراهانی، ابوالفضل؛ (۱۳۹۷)، عوامل بازدارنده ساختاری اشتغال و کارآفرینی در ورزش ایران مطالعه موردی: باشگاه های خصوصی، پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی « زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۲۷ علمی-پژوهشی/ISC (۱۲) صفحه - از ۳۳ تا ۴۴).

قربانی محمدحسین، وحدانی محسن، (۱۳۹۵)، طراحی الگوی شایستگی های کارآفرینان در صنعت ورزش ایران، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۲۰۹، صص ۲۰۵-۲۲۸.

مندعلیزاده، زینب؛ احسانی، محمد؛ کوزه چیان، هاشم؛ هنری، حبیب؛ (۱۳۹۴)، بررسی عوامل محیطی مؤثر بر توسعه ی کارآفرینی در ورزش کشور، مطالعات مدیریت ورزشی « خرداد و تیر ۱۳۹۴ - شماره ۲۹ علمی-پژوهشی/ISC (۱۸ صفحه - از ۹۹ تا ۱۱۶).

نادری نادر، یوسفی زهرا، رضایی بیژن (۱۳۹۵)، پدیدارشناسی موانع ایجاد و راه اندازی استارت آپ های کشاورزی، راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی: بهار و تابستان ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۵؛ از صفحه ۳۵ تا صفحه ۴۶.

نادری نادر، یوسفی زهرا، رضایی بیژن (۱۳۹۵)، پدیدارشناسی موانع ایجاد و راه اندازی استارت آپ های کشاورزی، راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی: بهار و تابستان ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۵؛ از صفحه ۳۵ تا صفحه ۴۶.

یداللهی فارسی، جهانگیر و همکاران (۱۳۹۰)، مطالعه‌ی موانع کارآفرینی در ورزش کشور، دوره چهارم، شماره دوم، شماره صفحه ی ۱۲۴-۱۰۵

Ciappei, C., & Simoni, CH. (2005). Drivers of new product success in the Italian sport shoe cluster of Montebello. *Journal of Fashion Marketing and Management: An International Journal*, (9)0, 61 – 46.

Irvine .Wilson, Anderson .Alistair R. (2008). ICT (information communication technology), peripherality and smaller hospitality businesses in Scotland. *Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*; Volume: 04 Issue: 4; Research paper

Perić Marko, VanjaVitezic ,Jelena, Đurkin Badurina, (2019). Business models for active outdoor sport event tourism experiences, *Tourism Management Perspectives* [Volume 32](#), October 2019, 100561.

Schulenkorf, N., & Siefken, K. (2019). Managing sport-for-development and healthy lifestyles: The sport-for-health model. *Sport Management Review*, 22(1), 96-107.

Serrano, R., Lacerda, D. P., Cassel, R. A., Rodrigues, L. H., & Soares, P. F. (2018). Systemic analysis of the soccer (football) value chain: Learning from the Brazilian context. *Systemic Practice and Action Research*, 31(3), 269-291.

Sotiriadou, P. (2013). Sport development planning: The sunny golf club. *Sport Management Review*, 16(4), 514-523.

Wang, D. B., & Lu, W. J. (2017). The Construction and Application of Functional Indexes of Colleges and Universities in the Development of Sports Industry—Analysis Based on Fuzzy Comprehensive Evaluation Method. *Eurasia Journal of Mathematics, Science & Technology Education*, 13(8), 6027-6036.

ارجاع: اویسی فرزانه، کشتی دار محمد، طالب‌پور مهدی، شناسایی و رتبه بندی عوامل بازدارنده توسعه استارت آپ‌های دانشجویان تربیت بدنی استان خراسان رضوی، مجله علوم حرکتی و رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۶۵-۷۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی